



حدود ۳ دهه از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد ولی جنایات بی‌شمار صدام و موارد متعدد نقض قوانین بین‌المللی از سوی وی در این جنگ هیچگاه از خاطر تاریخ زوده نمی‌شود.همچنانکه حصنه‌های جانفشانی رزمندگان خداجوی اسلام و رشادت‌ها و از خودگذشتگی‌های آنان که سبب بیمه شدن انقلاب و نظام جمهوری اسلامی شده بود نیز فراموش شدنی نیست. «جنگ شهرها» و «جنگ نفتکش‌ها» ۲ نمونه از اقدامات جنون‌آمیز صدام در توسعه دامنه جنگ به سمت افراد و امکان غیرنظامی‌ها بود؛ اقداماتی که اگر با مقابله به مثل رزمندگان اسلام مواجه نمی‌شد به صورتی جنایت‌بار توسعه‌می‌یافت.

■ **جنگ شهرها**

در دفاع ۸ ساله ایران علیه تجاوز عراق (۱۳۶۷–۱۳۵۹ ش) بارها شهرها و روستاهای ایران زیر حمله هواپیماها، توپخانه‌ها و موشک‌های عراق قرار گرفت و بسیاری از مردم غیرنظامی کشته و مجروح شدند. ایران برای پیشگیری از کشتار مردم، به این حمله‌ها پاسخ داد؛ یعنی برابر حمله به هر شهر ایران، به شهری در عراق حمله کرد. این مقابله به مثل اصطلاحاً «جنگ شهرها» نام گرفت.

قوانین بین‌المللی، حمله به مناطق مسکونی را در جنگ‌ها ممنوع کرده است. دولت صدام مانند همه دولت‌های متجاوز، توجهی به قانون نکرد و با تهدید مردم غیرنظامی، ایران را تحت فشار قرار داد. عراق پس از آغاز تجاوز در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، شروع به بمباران برخی شهرها کرد. نخستین شهری که با موشک هواپیماها زخم برداشت، اهواز بود. این حادثه دوم مهرماه ۵۹ یعنی ۳ روز پس از آغاز تهاجم به ایران رخ داد. درفول شهر بعدی بود که شانزدهم مهرماه ۵۹ به وسیله هواپیماها بمباران شد و ۷۰ کشته و ۳۰۰ زخمی در آن به جای ماند. غیر از اهواز و درفول، شهرهایی چون سنندج، قصرشیرین، ارومیه، کرمانشاه، خرم‌آباد، مهران و اندیمشک، بهبهان، خرمشهر و آبادان همواره بمباران می‌شدند. ایران برای آسیب نرساندن به

تهران در ۱۹ اسفند ۶۶ آغاز شد. عراق توانسته بود با کمک شوروی و آلمان، برد موشک‌های خود را به ۶۵۰ کیلومتر برساند و تهران را هدف قرار دهد. عراق موشک‌های تازه خود را به اصفهان و قم هم شلیک کرد. حاکمان عراق از اینکه توانسته بودند پس از ۳ سال برابر حمله‌های موشکی ایران به بغداد (بایتخت عراق)، پایتخت ایران (تهران) را نشانه برونند خوشحال بودند. مردم تهران، مانند مردم دیگر شهرهایی که زیر حمله‌های موشکی عراق بودند، روزهای سختی را گذراندند. گروه‌هایی از مردم، شب‌هنگام از شهر خارج می‌شدند و گروه‌هایی به پناهگاه‌های ساخته‌شده می‌رفتند.اما بیشتر مردم در خانه‌های‌شان ماندند. چهارمین دوره از جنگ شهرها تا پایان فروردین ۶۷ طول کشید. حکومت عراق همیشه آغازگر جنگ شهرها بود. او شکست در جبهه‌های نظامی را با کشاندن جنگ به شهرها و کشتن غیرنظامیان پاسخ می‌داد. جنگ شهرها وقتی شروع می‌شد که ایران حمله‌ای بزرگ را آغاز می‌کرد. این حمله‌ها در زمستان صورت می‌گرفت اما مستان ۶۶ چهارمین دوره جنگ شهرها و پیش از شروع حمله بزرگ ایران آغاز شد. عراق هم‌زمان تهدید کرد از بمب‌های شیمیایی هم استفاده خواهد کرد، نیروهای نظامی ایران در روزهای پایانی سال ۶۶ عملیات والفجر ۱۰ را در شمال غربی کشور آغاز کردند که پاسخی بود به موشکباران شهرهای ایران. عملیات والفجر ۱۰ با پیروزی بزرگی همراه شد. تهدید شیمیایی عراق در شهر حلبچه – که به دست ایرانیان افتاده بود – عملی شد و شمار زیادی از مردم گرد آنجا با گازهای سمی کشته شدند. گفتنی است ایران پیش از آغاز هر حمله خود در جنگ شهرها، مردم شهرهای عراق را آگاه می‌کرد تا کمترین آسیب به آنها وارد شود. ضمن آنکه شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرا از نظر ایران شهرهای امن بود و در طول جنگ شهرها، این موشک‌ها را به بغداد، کارگزاری مواد منفجره و خرابکاری اعلام کرد اما خیلی زود روشن شد آنها سلاح‌های شلیک شده از پایگاه‌ها موشکی ایران هستند. مردم با سردادن شعار «موشک جواب موشک» از این اقدام حمایت کردند. نخستین مرحله از جنگ شهرها از تاریخ ۱۳ اسفند۶۳ تا ۱۷ فروردین ۶۴ به درازا کشید و در ایران ۱۲۲۷ نفر شهید و ۲۶۸۲ زخمی به جا ماند. دور دوم جنگ شهرها از ۵ خرداد ۶۴ آغاز و تا ۲۴ خرداد ۶۴ ادامه یافت. در این مرحله ۳۷ شهر و چندین روستای ایران ۱۰۵ بار هدف موشک‌ها و بمب‌ها قرار گرفت که ۵۷۰ شهید و ۱۳۳۲ مجروح داشت. سومین مرحله جنگ شهرها پس از آغاز عملیات کربلای ۵ از ۲۱ دی ۶۵ با بمباران سوسنگرد آغاز شد و تا سوم اسفند ۶۵ ادامه یافت. عراق در حمله به ۶۶ شهر و روستای ایران ۳۰۵۰ شهید و ۱۱ هزار و ۱۶۳ زخمی به جا گذاشت. چهارمین و آخرین مرحله از جنگ شهرها با برخورد نخستین موشک عراق به

نمونه‌هایی از جنایات صدام در جنگ با ایران

سدرزندگان مقابل جنگ نامحدود

شهرپور ۶۶، هلیکوپترهای جنگی آمریکا به کشتی «بران‌اجر» متعلق به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران حمله کردند که در این حمله ۴ خدمه کشتی ایرانی شهید، ۴ نفر زخمی و ۱۰ نفر دیگر اسیر شدند. البته پس از چندی اسیران آزاد شدند. بار دیگر ۱۶ مهر ۶۶ هلیکوپترهای آمریکایی به ۵ فروند از قایق‌های تندرو ایران حمله کردند که در این حمله یک هلیکوپتر آمریکایی‌ها سقوط کرد و ۳ فروند از ۵ فروند قایق ایرانی غرق شد. در این حادثه ۲ نفر از سرنشینان ایرانی قایق‌ها شهید و ۶ نفر دیگر به اسارت نیروهای آمریکایی درآمدند. کمتر از یک هفته بعد، در ۲۳ مهر ۶۶ یک نفتکش لنگر انداخته بود، هدف یک فروند موشک کرم ابریشم قرار گرفت. در این حادثه ۱۸ نفر از خدمه کشتی مجروح شدند. فردای آن روز، ۲۴ مهر ۶۶، یک فروند دیگر از موشک‌های کرم ابریشم، نفتکش اس ایل سیتی، تحت حفاظت ناوهای آمریکایی در مراد شهر قرار داد. یک هفته بعد، ۲۷ مهر ۶۶ آمریکا به سکوی نفتی رشادت ایران حمله کرد و کاخ سفید مسؤولیت آن را به عهده گرفت. ۲۰ مهر ۶۶، سه روز پس از تجاوز نظامی آمریکا به سکوی نفتی ایران، یک موشک به اسکله الاحمدی واقع در ۱۵ کیلومتری شرق بندر الاحمدی کویت اصابت کرد. آمریکا این حمله را از طرف ایران دانست اما در عقب‌نشینی‌ای آشکار، پاسخ آن را به عهده کشور کویت گذاشت. مرحله بعدی جنگ نفتکش‌ها با پیروزی ایران در عملیات والفجر ۱۰ و آزادسازی شهر حلبچه عراق آغاز شد. این بار آمریکا با شدت بیشتری وارد عمل شد و به بهانه برخورد رزمناو «ساموئل اربترز» با مین که ۲۵ فروردین ۶۷ صورت گرفت، ایران را به اقدام نظامی تهدید کرد. اقدام نظامی آمریکا ۲۹ فروردین ۶۷ و تنها یک روز پس از حمله نیروهای عراق به فاو برای بازپس‌گیری آن و در هماهنگی با آنها صورت گرفت. در این اقدام، آمریکا به سکوهای نفتی رشادت، سلمان، مبارک و ناوهای ایرانی سهند و جوشن حمله کرد. به علاوه هم‌زمان، رزمناو سیلان توسط نیروهای هوا دریای آمریکا بمباران شد. آمریکا اعلام کرد حمله آنها به سکوهای نفتی ایران با اطلاع کشورهای انگلستان، فرانسه، ایتالیا، هند و بلژیک بوده است. عراق آغازگر همه دوره‌های جنگ نفتکش‌ها بود که بیشتر در مواقعی انجام می‌گرفت که حکومت بعث عراق در رویارویی با نیروهای زمینی ایران متحمل شکست می‌شد. در طول دور‌های مختلف جنگ نفتکش‌ها بیش از هزار کشتی مورد اصابت بمب‌ها و موشک‌های عراقی قرار گرفتند. با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در مراد ۶۷ توسط جمهوری اسلامی ایران و اعلام آتش‌بس رسمی بین طرفین در گیر، جنگ نفتکش‌ها نیز پایان گرفت. منبع: **دایرةالمعارف انقلاب اسلامی**، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی

که به مسوولان توصیه می‌کردند فاصله سطرها در نوشتن کم شود تا کاغذ کمتری مصرف شود و نوک قلم‌ها باریک تراشیده شود. نتیجه چنین رفتارهایی این می‌شد که در زمان حکومت امام علی(ع) پایین‌ترین مردم کوفه از نان گندم و آب آشامیدنی برخوردار بودند. چگونه مسوولی که با رانت و لابی به منصب می‌رسد و اول کار برای تجهیزات خود هزینه می‌کند می‌تواند چنین اهمیتی برای مردم و بیت‌المال قائل شود؟ وقتی استاندار تهران نمی‌داند در استانتش بی‌خانمان وجود دارد و شورای شهری روی کار می‌آید که نگاه کیسه خلیفه‌ای به بیت‌المال دارد، طبیعی است «میرخان»هایی که اصلا نمی‌دانند آرزو چیست در شهر زیاد می‌شوند، میرخان و کودکانی همسن او که صبح تا شب در میان اشغال‌های شهر زندگی می‌کنند و همان موقع عضو شورای شهر برای رسیدگی به وضعیت گریه‌ها به پارک می‌رودا! یا امثال رضا، کودک کاری که میهمان برنامه ماه عسل بود، آنقدر کار می‌کرد که فرصت نداشت به آرزوهایش فکر کند. همه اینها در گوشه و کنار همین تهران زندگی می‌کنند اما شکاف بین مردم و کارگزاران آنقدر زیاد است که دیده نمی‌شوند. از کاخ‌های آنها تا کوخ‌های مردم فاصله زیاد است. دردناک‌تر اینکه یکی از همین مسوولان با ثروت میلیاردی می‌گوید مردم باید به واقعیت زندگی مسوولان‌شان عادت کنند. ما و آقای مسوول پیرو دینی هستیم که کارگزاران را موظف به «رعایت کردن» در مصرف‌شان می‌داند. نه مردم را مجبور به «عادت کردن» به مصرف مسوولان.

و این یعنی مردم‌سالاری دینی در مقابل نگاه کلایی به مردم توسط مدعیان مردم‌سالاری.

انقلاب جنسی

مستندی که ارزش دیدن دارد!

میکائیل دبنای: در دنیای رسانه همواره می‌توان این ادعا را داشت که اگر آن تصویر آنگونه گرفته نمی‌شد و اینگونه گرفته می‌شد نتیجه بهتری داشت اما به نظر می‌رسد اساتید حوزه رسانه بر نظریه برجسته‌سازی «دونالد شاو» و «ماکسول مک کومبز» اتفاق نظر داشته باشند که «رسانه‌ها در قالب گزارش‌های خبری، به طور قابل ملاحظه‌ای اهمیت موضوع‌های مهم را تعیین می‌کنند این تأثیر وسایل ارتباط جمعی- قابلیت اثرگذاری بر تغییر شناخت و ادراک مخاطبان و ساخت تفکر آنان- کارکرد برجسته‌سازی وسایل ارتباط جمعی نامیده می‌شود که مهم‌ترین تأثیر ارتباط جمعی در اعمال این کار کرد، ایجاد نظم فکری آبرای مخاطبان آ و نظم دادن به دنیای پیرامون است. رسانه‌ها ممکن است در اینکه به ما بگویند چگونه فکر کنیم، موفق نباشند اما آنها در گفتن اینکه درباره چه چیزی فکر کنیم، بسیار موفق هستند.»

در دنیای رسانه در درجه اول «به چه فکر کردن؟» مهم است و اگر محصولی رسانه‌ای این قدرت را داشته باشد که در بخش وسیعی از مخاطبان اینن را تزریق کند که مسأله مهم و اولویت‌دار جامعه که باید به آن فکر کرد چیست، آن رسانه موفق بوده است. از این منظر می‌توان تبسم «آرمان مدیاه» را در طول سالیان اخیر یک گروه رسانه‌ای کاملا موفق دانست که محصولات رسانه‌ای‌شان که عمدتاً در قالب مستند ارائه شده است مورد توجه جامعه بویژه قشر جوان قرار گرفته و در اولویت‌سازی اذهان آنها موثر بوده است. مجموعهٔ ۴ قسمتی «میراث البرتا» نقطه شروع این مسیر بوده و آنها تمام تلاش‌شان آن بوده است که به مخاطب نگاهی از نزدیک به جهان غرب بدهند تا توهمات درست و غلطی که ما از غرب داریم به هم ریخته شود و با واقعیت ارتباط نزدیک‌تری برقرار کنیم.

حالا اما به نظر می‌رسد مستند «انقلاب جنسی» از این حیث حائز اهمیت باشد که یکی از بحران‌های جدی جامعه ایرانی را که متأسفانه از سوی مسوولان جدی گرفته نمی‌شود و رسمیت پیدا نمی‌کند مورد چالش قرار داده؛ بحرانی که برخی پیشنهادها برای مسیر آن بیرونی است و از جهان غرب گرفته می‌شود اما نتایج این پیشنهادها برای جامعه موشکافی نمی‌شود. جالب توجه آن است که اسلام برای این بحران راه‌حل عادلانه و منطقی دارد و به این راه‌حل هم توجهی نمی‌شود. حسین شامقذری، کارگزار مستند «انقلاب جنسی» در درجه اول تلاش کرده به جامعه بفهماند مسأله جنسی در جامعه جدی است و باید برای آن فکری کرد و در ادامه، مسیری را که جامعه غربی طی کرده که با عنوان «انقلاب جنسی» شناخته می‌شود به مخاطب عرضه می‌کند و نتایج اخلاقی آن را نشان می‌دهد تا مخاطب ایرانی با دیدی نزدیک و بدون سانسور متوجه پیامدهای اجتماعی پیشنهادهایی که از سوی غرب به ما عرضه می‌شود،باشد.

انقلاب جنسی نشان می‌دهد جامعه غربی به‌اصطلاح آن محیط گل و بلبلی نیست که برخی کارشناسان بویژه سکس‌پولز بیست‌ه امروز در اتاق‌های مشاوره‌شان ما را دعوت به حل مشکلات‌مان با پیشنهادهای آنها می‌کنند. مصادیق بحران جنسی در ایران را می‌توان در «دگرپاشی جنسی»، «حرفات جنسی»، «عدم ارضای جنسی افراد در بستر خانواده»، «مایل به رابطه جنسی انتزاعی و فانتزی تحت تأثیر محیط سایبری و اینترنتی». و… دید.
که در سال‌های اخیر به وجود آمده است و همین آسیب‌ها بیش از همه بدین خاطر بوده که این مسأله و مشکل در کشور به رسمیت شناخته نشده و همواره تلاش شده به‌جای حل مسأله، صورت مسأله پاک شود.

حسین شامقذری با کارشناسی حجت‌الاسلام قاسمیان تلاش دارد بدون آنکه صورت مسأله را پاک کند حل مسأله را از نگاه دینی به مخاطب عرضه کند، نگاهی که نیازمند تغییر بسیاری از تابوهای فرهنگ عرفی ما است و شرع اسلام برای آنکه مدیریت این مسأله در جامعه ایجاد شود دست جامعه را باز گذاشته است.

همچنان که ابتدای فیلم آمده است قطعاً مخاطب فیلم شامقذری افراد نوجوان جامعه نیستند بلکه آنهایی هستند که امروز دچار بحران جنسی‌اند یا آن را درک می‌کنند و مسؤولانی هستند که چشم بر این بحران بسته‌اند و نمی‌خواهند آن را جدی بگیرند. استقبال خوبی که از این مستند شده را نیز می‌توان موید همین مسأله دانست که هم مجموعه آرمان مدیا توانسته روی نبض جامعه حرکت کند و هم مبتنی بر همان گزاره اولیه، جامعه را به آنچه «به چه فکر کردن؟» است رهنمون کند.